

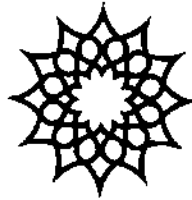
کفایۃ الطب

کتاب اول

ابو الفضل حبیبش التفلیسی



مقدمہ، تصحیح و تعلیقات : زہرا پارسیپور



پژوہ شکار علوم انسانی و مطالعات فرسنگی

۱۳۹۰

سرشناسه: تفلیسی، حبیش بن ابراهیم، -۶۲۹ ق.

عنوان و نام پدیدآور: کفایة الطب/حبیش التفلیسی؛ مقدمه، تصحیح و تحشیه زهرا پارساپور.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۲ ج.: جدول.

شابک: دوره: ۴-۴۸۹-۴۲۶-۹۶۴-۹۷۸؛ ج. ۱: ۰-۴۸۷-۴۲۶-۹۶۴-۹۷۸؛ ج. ۲: ۷-۴۸۸-۴۲۶-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

موضوع: پزشکی — متون قدیمی تا قرن ۱۴

موضوع: پزشکی سنتی

شناسه افزوده: پارساپور، زهرا، ۱۳۴۴- مصحح، مقدمه‌نویس

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۹ ۷۷۷/۳ R ۱۲۸

رده‌بندی دیویی: ۶۱۰/۹۱۷۶۷۱

کتابشناسی ملی: ۲۲۳۹۷۲۹



کفایة الطب (کتاب اول)

مؤلف: ابوالفضل حبیش التفلیسی

تصحیح: دکتر زهرا پارساپور

ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیر نشر: ناصر زعفرانچی

ناظر چاپ: مجید اسمعیلی‌زارع

امور فنی: امیر خرم

حروف چین و صفحه‌آرا: شهرام محمدی، شهره خوری، منصور عیوضی اینانلو

طرح جلد: مجید اکبری کلی

اجرای جلد: اعظم صادقیان

چاپ اول: ۱۳۹۰

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: چاپ عترت

ردیف انتشار: ۲۲-۹۰

بهاء دوره: ۷۰۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۶-۴۸۷-۰ دوره: ۴۸۹-۴۲۶-۹۶۴-۹۷۸

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۴۱۵۵۶۴۱۹، تلفن: ۸۸۰۴۶۸۹۱۳، فاکس: ۸۸۰۴۶۳۱۷

فهرست

پیشگفتار استاد دکتر محمد مهدی اصفهانی.....	سیزده	در شناختن آمیزش‌های تن و طبع و منفعتشان.....	۱۷
پیشگفتار مصحح.....	هفده	در شناختن تن مردم و آفرینش وی.....	۱۸
معرفی شخصیت و آثار حبیش التفلیسی.....	بیست و یک	پیدا کردن پنج حواس مردم.....	۳۰
محتوای کفایه الطب.....	بیست و دو	نگاه داشتن تن درستی را.....	۳۰
ساختار کفایه الطب.....	بیست و سه	و اما طعام خوردن را.....	۳۱
آثار دیگر حبیش التفلیسی.....	بیست و هفت	و اما خفتن و بیداری را.....	۳۲
معرفی نسخه ها.....	بیست و هشت	و اما طبع را نرم داشتن.....	۳۳
روش تصحیح متن.....	سی و یک	و اما جماع کردن را.....	۳۳
ویژگی‌های سبکی نسخه A.....	سی و سه	و اما تن هالین را.....	۳۴
نکات دستوری.....	سی و سه	و آهک کردن را.....	۳۴
نکات نگارشی و املائی نسخه A.....	سی و چهار	و اما ریاضت کردن را.....	۳۴
علائم نگارشی.....	سی و شش	و اما قی کردن را.....	۳۵
چند تصویر و نمایه از نسخه A.....	چهل	و اما دارو خوردن را.....	۳۵
		و اما رگ زدن را.....	۳۶
		و اما حجامت کردن را.....	۳۷
		و اما دیوچه برنهادن را.....	۳۷
		اما تدبیر سفر کردن را.....	۳۸
		اما به کشتی نشستن را.....	۳۸
		اما نگاه داشتن فرزند خرد.....	۳۸
		در شناختن علم مجسه.....	۴۰

کتاب اول

دبیاچه.....	۱
فهرست مطالب.....	۳
در آموختن علم طب و فضیلت آن.....	۱۳
دانستن حد طب و قسمت هایش.....	۱۵
اندر شناختن مزاج و طبیعت.....	۱۶

- در شناختن آب تاختن ۴۲
- و اما شناختن غایط ۴۵
- در شناختن بحران بیمار و عرق آمدن ۴۶
- علامت‌های شفا و خطر بیماری ۴۸
- نشان مقدمات بیماری ها ۴۹
- باب اندر شناختن حال هواها و شهرها ۵۰
- دانستن گردش چهار فصل ۵۲
- یاد کردن دردهای مغز و سر**
- در کلام کلی در علت‌های چیرگی و فساد آمیزش‌های تن و علامت‌های آن ۵۴
- سبوسه سر که به تازی او را حزاز خوانند ۵۶
- ریش‌های سر که به تازی آن را سغه خوانند ۵۷
- اندر موی ریختن سر که اصلی خوانند ۵۸
- اندر شکافتن موی و بی هنگام سپید شدن ۵۹
- داء الثعلب و داء الحیه که هر دو علت از یک نوع بود ۶۰
- درد سر که از گرمی بود یا از سردی ۶۱
- درد سر که از تری باشد یا از خشکی ۶۲
- درد سر که از خون باشد یا از بلغم ۶۳
- درد سر که از صفرا باشد یا از سودا ۶۴
- درد سر که از بادهای سرد باشد یا گرم ۶۵
- درد سر که از آماس پرده‌های مغز باشد ۶۶
- درد سر که به تازی او را بیضه خوانند ۶۷
- درد سر که از زخمی باشد یا از استفراغ یا از بوی ها ۶۸
- درد سر که از خمار سیکی باشد یا از بحران بیماری ۶۹
- درد سر که از گرمی یا از سستی معده بود ۷۰
- درد سر کز گرمی بود یا از سردی ۷۱
- سرگشتن که به تازی دوار خوانند ۷۲
- سدر که از گرمی باشد یا از سردی ۷۳
- سرسام که از گرمی باشد یا از سردی ۷۴
- علت سبات و سباتی که سهری خوانند ۷۵
- شخوص و جمود و این هر دو علت از سردی باشد ۷۶
- اندر مالیخولیا که به پارسی دیوانگی خوانند ۷۷
- قطرب و مانیا ۷۸
- اندر بی‌خوابی و وسوسه بسیار ۷۹
- عشق و سواسی بود که به دیوانگی م‌ند ۸۰
- اندر فراموشی و یاد نداشتن ۸۱
- کابوس که به خواب اندر گیرد ۸۲
- باد افکندن که به تازی آن را صرع خوانند ۸۳
- باد افکندن که از سودا یا از بادهای سرد بود ۸۴
- اندر علت سکت که ناگهان بگیرد ۸۵
- فالج از دو گونه بود یا از زخم یا از بلغم ۸۶
- سستی اندام‌ها که به تازی استرخا خوانند ۸۷
- خشکی اندام که به تازی آن را خدر خوانند ۸۸
- کز شدن روی که به تازی آن را لقوه خوانند ۸۹
- تشنج آن باشد که اندام چون چوب خشک باشد ۹۰
- کزاز و امتداد هر دو نوعی باشد از تشنج ۹۱
- لرزه اندام که آن را به تازی رعشه خوانند ۹۲
- یاد کردن درد چشم و پلک‌هایش**
- گر و خارش که در برک چشم افتد ۹۳
- برد و تحجر و شعیره هر سه علت در برک چشم افتد ۹۴
- اندر شتره [و] گرفتن برک چشم بر یکدیگر ۹۵
- سغه و ودرینه و افزونی مژه ریختن او ۹۶
- کمنه و توتنه و مژه ریختن ۹۷
- سلع و شرناق و سلاق هر سه علت در برک چشم افتد ۹۸

- غده و غُرب و شُبُش و قُمقام که در مژه افتد..... ۹۹
- درد چشم از چیرگی خون باشد یا بلغم..... ۱۰۰
- درد چشم کز چیرگی صفرا بود یا سودا..... ۱۰۱
- طرفه و ناخنه چشم و طرفه زخمی باشد که بر چشم آید..... ۱۰۲
- ریشهای چشم و دمیگیاها که آن را بثور خوانند..... ۱۰۳
- سبل و آب دَودین از چشم که آن را دمع خوانند..... ۱۰۴
- آبله و دَقه چشم و سپیدی که در دیده افتد..... ۱۰۵
- سرطان و دیبله و ریم که از پس پرده دوم بود..... ۱۰۶
- بیرون خاستگی چشم یا به تمامی یا به اندکی از وی..... ۱۰۷
- فراخ و تنگ شدن سوراخ چشم..... ۱۰۸
- انتشار به تازی فراخ شدن دیده را خوانند..... ۱۰۹
- ضعیفی دیدار کز گرمی باشد یا از سردی..... ۱۱۰
- آغاز فرو آمدن آب اندر چشم..... ۱۱۱
- اندر شب کوری و روز کوری..... ۱۱۲
- درد دندان که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۲۴
- درد دندان که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۲۵
- خوردگی دندان و جنبیدن و افتادن بی سببی..... ۱۲۶
- کند شدن و خون آمدن از بن دندان و سیاهی وی..... ۱۲۷
- آماس گوشت دندان که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۲۸
- درد دهان و دمیگیها که اندر وی پدید آید..... ۱۲۹
- بوی گند دهان که به تازی ابخر خوانند..... ۱۳۰
- آب رفتن از دهان به وقت خفتگی..... ۱۳۱
- آماس زبان که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۳۲
- دمیگی زبان که به تازی آن را قلاع خوانند..... ۱۳۳
- چاشنی زبان که از طبع بگردد آن را تَغیر الذَّوق گویند..... ۱۳۴
- ریشی زبان و گرانی و سستی اندر وی..... ۱۳۵
- کام فرود آمدن که از گرمی یا از سردی بود..... ۱۳۶
- آماس کام فرود آمدن دو بادامه که به تازی لوزتین گویند..... ۱۳۷

یاد کردن دردهای سینه، گلو و شش

- درد گوش که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۱۳
- دمیگی گوش و آماس که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۱۴
- آب که اندر گوش باشد یا جنبنده..... ۱۱۵
- ریش های گوش و خون و ریم آمدن از وی..... ۱۱۶
- بانگ آمدن از گوش و بادها که اندرو باشد..... ۱۱۷
- کری و گرانی گوش که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۱۸
- ریش های بینی و دمیگیها که اندرو باشد..... ۱۱۹
- بوی نایافتن بینی که از گرمی بود یا از سردی..... ۱۲۰
- گند بینی و ناصور که اندرو باشد..... ۱۲۱
- اندر خون آمدن از بینی..... ۱۲۲
- زکام و نزله که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۲۳
- آماس گلو که به تازی خناق خوانند..... ۱۳۸
- درد گلو که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۳۹
- دیوچه یا استخوان که اندر گلو بماند..... ۱۴۰
- خون آمدن از گلو یا آن که باقی برآید..... ۱۴۱
- سرفه که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۴۲
- سرفه که از تری باشد یا از خشکی..... ۱۴۳
- رَبو که از گرمی باشد یا از سردی..... ۱۴۴
- آماس شش که آن را به تازی ذات الرِّیه خوانند..... ۱۴۵
- ریش شدن شش که آن را به تازی سل خوانند..... ۱۴۶

یاد کردن درد پهلوی و دل

- آماس پهلوی که آن را ذات الجنب خوانند..... ۱۴۷
- برسام که عرب آن را شوصه خواند..... ۱۴۸

یاد کردن درد دهان و دندان

- درد دل که از گرمی و خشکی باشد یا از تری و سردی ۱۴۹
- کوبه دل که عرب آن را خفقان خوانند ۱۵۰
- بیپش شدن که آن را به تازی غشی خوانند ۱۵۱
- یاد کردن درد معده**
- ناگواری طعام که از گرمی باشد یا از سردی ۱۵۲
- بدگواری و ضعف معده که از گرمی باشد یا از سردی ۱۵۳
- طعام آرزو ناکردن که از جهت معده باشد ۱۵۴
- طعام آرزو ناکردن که از جهت خلطی بود که در معده گرد آید ۱۵۵
- سیر ناشدن طعام که آن را شهوت کلیبه خوانند ۱۵۶
- گل خوردن و گج و شوره دیوار و کلوخ ۱۵۷
- جستن دهن معده که آن را وجع الفواد خوانند ۱۵۸
- تشنگی و آب خوردن بسیار ۱۵۹
- هیضه و برجیه که آن را به تازی تخمه خوانند ۱۶۰
- درب شکم رفتنی باشد که دراز کشد ۱۶۱
- زلق الامعا و زلق المعده هر دو شکم رفتن بود ۱۶۲
- منش گشتن که آن را به تازی غثیان خوانند ۱۶۳
- اندر خون برآوردن از معده ۱۶۴
- قی کردن تنها که بی شکم رفتن باشد ۱۶۵
- آروغ بسیار که اندر معده افتد ۱۶۶
- اندر فواق که به پارسی زغند خوانند ۱۶۷
- درد معده که از گرمی باشد یا از سردی ۱۶۸
- آماس معده که از گرمی باشد یا از سردی ۱۶۹
- ریشی معده و خون یا شیر که اندر معده فسرده باشد ۱۷۰
- خیو انداختن بسیار و تری کاندن دهن گرد آید ۱۷۱
- درد جگر که از گرمی باشد یا سردی ۱۷۲
- یاد کردن درد جگر و سپرز**
- آماس جگر که از گرمی باشد یا از سردی ۱۷۳
- آماس جگر که از [بستگی] راه های او باشد یا از بلغم سطر یا لیز ۱۷۴
- استسقا که به پارسی وی را آماس شکم خوانند ۱۷۵
- استسقای لحمی و آنچه از پس گرمی با تب باشد ۱۷۶
- زریر زرد و سیاه که به تازی وی را یرقان خوانند ۱۷۷
- درد سپرز که از گرمی باشد یا از سردی ۱۷۸
- آماس سپرز که از گرمی باشد یا از سردی ۱۷۹
- خون آمدن از شکم که از جگر باشد و او را دوسنطاریا گویند ۱۸۰
- یاد کردن درد روده و مقعد**
- خون آمدن از شکم کز ریشی روده بود و او را سحج خوانند ۱۸۱
- زحیر که از گرمی باشد یا از سردی ۱۸۲
- مغض علتی بود که روده را همی گزد به دروغی ۱۸۳
- قولنج دردی باشد در روده قولن ۱۸۴
- ایلاوس نوعی باشد از قولنج و او را رب ارحم خوانند ۱۸۵
- کرم دراز و خرد و کدو دانه ۱۸۶
- باسور یا توثه که در مقعد باشد ۱۸۷
- باسور یا کوفتگی که در مقعد باشد ۱۸۸
- ریشی مقعد یا سیر رگی درو گشاده ۱۸۹
- آماس مقعد و سستی و بیرون آمدن و خارش وی ۱۹۰
- یاد کردن درد گردو و مثانه**
- درد گرده که از گرمی باشد یا از سردی ۱۹۱
- آماس گرده که از گرمی باشد یا از سردی ۱۹۲
- ریشی گرده و خون و ریم آمدن از سر قضیب ۱۹۳
- سنگ باریک که اندر گرده باشد ۱۹۴
- چکیدن آب تاختن که به تازی سلس البول خوانند ۱۹۵
- بستگی آب تاختن که به تازی عسر البول خوانند ۱۹۶
- بیرون آمدن آب تاختن بی خواست مردم ۱۹۷
- آماس مثانه که از گرمی باشد و یا از سردی ۱۹۸

- ریشی مئانه و سنگ اندر وی..... ۱۹۹
- یاد کردن درد قضیب**
- برخاستن قضیب بی شهوت جماع..... ۲۰۰
- سستی قضیب و بیرون آمدن آب پشت بی لذتی..... ۲۰۱
- اماس قضیب که از گرمی باشد یا از سردی..... ۲۰۲
- سوختن قضیب که از گرمی باشد یا از سردی..... ۲۰۳
- آرزو نا کردن جماع کز گرمی باشد یا از سردی..... ۲۰۴
- اماس خایه که از گرمی باشد یا از سردی..... ۲۰۵
- باد فتق که اندر زهار باشد یا در خایه..... ۲۰۶
- یاد کردن درد زهدان و پستان**
- بستگی زهدان که او را اختناق الرحم خوانند و او مانند صرع بود..... ۲۰۷
- گشادن حیض که به تازی وی را نرف خوانند..... ۲۰۸
- باز بستن حیض که به تازی وی را احتباس الطمث خوانند..... ۲۰۹
- اماس زهدان کز گرمی باشد یا از سردی..... ۲۱۰
- ریشی زهدان و سرطان که اندر وی بود..... ۲۱۱
- دمیدگی باصور که اندر زهدان بود..... ۲۱۲
- رجا علتی بود زنان را که پندارند که در شکم بار دارند..... ۲۱۳
- بیرون آمدن زهدان و کز شدن و تری آمدن از وی..... ۲۱۴
- کودک افتادن و بادهایی که اندر زهدان باشد..... ۲۱۵
- بار ناگرفتن و فرزند نامدن کز جهت مرد باشد یا زن..... ۲۱۶
- دشوار زادن و بیرون آوردن مشیمه و فرزند که در شکم بمیرد..... ۲۱۷
- اماس پستان کز گرمی باشد یا از سردی..... ۲۱۸
- درد پستان و شیر که اندر وی بنند..... ۲۱۹
- یاد کردن علت های پشت و پای و ساق**
- درد پشت و میان که از گرمی باشد یا از سردی..... ۲۲۰
- گوژی که به تازی وی را حذب خوانند..... ۲۲۱
- عرق النساء آن باشد که از بیرون ران تا کعب درد کند..... ۲۲۲
- درد پیوندهایی که به تازی وجع المفاصل خوانند..... ۲۲۳
- درد نقرس که از گرمی باشد یا از سردی..... ۲۲۴
- دوالی و داء الفیل هر دو علت در پای افتد..... ۲۲۵
- شکافتگی دست و پای و سرمازدگی..... ۲۲۶
- ناخن خوار و رشته کز بای بیرون آید..... ۲۲۷
- یاد کردن علت ها که بیرون پوست تن پدید آید**
- در کلف و برش و نمش و کنجده..... ۲۲۸
- قوبا وتوئه و شیرینه که به تازی وی را شری خوانند..... ۲۲۹
- گر تر و خشک و خارش که اندر تن پدید آید..... ۲۳۰
- خوی آمدن بسیار از تن و نامدن وی..... ۲۳۱
- شپش و رشک و قمقام که اندر بن موی افتد..... ۲۳۲
- پسی و بهق سپید و سیاه که به پارسی وی را خون آزمای خوانند..... ۲۳۳
- آتش پارسی و دمیدگی که به تازی بنور خوانند..... ۲۳۴
- گندمه که به تازی وی را ثالول خوانند و مردری که وی را حصف خوانند..... ۲۳۵
- آبله را به تازی جنری خوانند و سرخیجه..... ۲۳۶
- جمره آماسی بود و خوره ریشی باشد که اندام را خورد..... ۲۳۷
- جذام دو نوع باشد یا از صفرای سوخته بود یا از سودای تیز..... ۲۳۸
- تباهی گونه و تیرگی روی کز آفتاب و باد بود..... ۲۳۹
- در آماسها که بیرون تن باشد**
- اماس گرم که از خون باشد یا از صفرا..... ۲۴۰
- اماس سرد که از بلغم باشد یا از سودا..... ۲۴۱
- سرطان دو گونه باشد یکی سخت بود و یکی ریش..... ۲۴۲
- خوک و سلع که اندر اندام پدید آید..... ۲۴۳
- طاعون و دیبله که در اندام پدید آید..... ۲۴۴
- دنبل و گاورسه و بادابله که اندر تن پدید آید..... ۲۴۵
- یاد کردن تبهای گرم و سرد**

داروهای کشنده گرم یا سرد که خورده باشد ۲۶۶

توضیحات تکمیلی جلد نخست ۲۶۷

کتاب دوم

در غذاها و داروهای مفرد ۲۷۱

ابدال ۳۶۱

در غذاها و داروهای مرکب ۳۶۷

نمایه ۴۹۱

فهرست‌ها

کسان، جای‌ها و کتاب‌ها ۵۷۵

ابزارهای پزشکی ۵۷۵

حیوانات ۵۷۶

بیماری‌ها ۵۷۷

داروها و غذاها ۵۸۱

اعضای بدن ۶۰۵

کلمات و ترکیبات اصطلاحات ۶۰۶

فهرست توضیحی اشخاص ۶۱۱

فهرست توضیحی جای‌ها ۶۱۷

فهرست توضیحی ابزارهای پزشکی ۶۱۹

منابع ۶۲۵

تب هر روز که از خشم بود یا از بیم و ترس ۲۴۶

تب هر روز که بسیار خوردن بود یا از گرسنگی ۲۴۷

تب هر روز که غم و اندوه باشد یا از رنج بسیار ۲۴۸

تب هر روز که گرمای سخت باشد یا از سرمای سخت ۲۴۹

تب که پس شکم رفتن بسیار بود یا از زکام و نزله ۲۵۰

تب که بی‌خوابی باشد یا از آماس‌های سخت ۲۵۱

تب غب از دو گونه باشد غب لازمه بود و نایبه ۲۵۲

تب مطابق که گرمی باشد یا از سردی ۲۵۳

تب دائمی که او را محرقه خوانند و تب شطر الغب ۲۵۴

تب چهارم که از سودا یا از خلطی سوخته باشد ۲۵۵

تب پنجم و ششم و یازدهم روز که آید ۲۵۶

تب و بایی که فساد هوا بود و تبی که پس بیماری‌ها باشد ۲۵۷

تب دق از سه گونه بود مبتدئه و ذبولی و مثله ۲۵۸

یادکردن خستگی‌ها و ریشهای تن و سوختگی‌ها و ریشهای

کهن

شکستگی سر و استخوان و زخم که بر اندامها افتد ۲۵۹

ریشی بلخی و ریشهای تازه و کهن ۲۶۰

سوختگی آتش و روغن جوشیده و آب گرم ۲۶۱

یادکردن زهرهای کشنده

مار گزیده و زنبور و کژدم و غنده ۲۶۲

گزیدن سگ دیوانه و غیر دیوانه ۲۶۳

داروهای کشنده گرم یا سرد که خورده باشد ۲۶۴

داروهای کشنده گرم یا سرد که خورده باشد ۲۶۵